

# راهکارهای مقاوم سازی ساختار فرهنگی کشور

زهرا امینی- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

آموزش و پرورش منطقه ۲ تهران

## چکیده

مفهوم فرهنگ یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در زندگی اجتماعی انسان‌هاست که گستره وسیع آن از یک سو و ابعاد ذهنی و غیرعینی آن از سوی دیگر پیچیدگی‌های خاصی به آن داده است به گونه‌ای که بررسی روند تغییرات و تحولات در این حوزه را بسیار دشوار نموده است. این دشواری‌ها در نظام‌های ایدئولوژیک که درصدد دستیابی به فرهنگ مطلوب و منطبق بر ارزشها و آرمان‌های خاصی هستند دو چندان می‌نماید. اما باید توجه داشت که مباحث فرهنگی نیاز به زمان دارد و طبیعت مسائل فرهنگی به گونه‌ای است که در یک جلسه یا دو جلسه قابل پیاده شدن نیست.

آنچنان که سعدی می‌گوید:

سعدی به روزگاران مه‌ری نشسته بر دل

بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران

در جامعه ما حوزه سه قلمرو و فرهنگ با یکدیگر آمیخته شده است:

۱- حوزه فرهنگ عمومی ۲- حوزه فرهنگ دینی ۳- حوزه فرهنگ غربی و تجدد

در این مقاله سعی بر آن است که ضمن شناسایی هر حوزه راهکارهای مناسب جهت ساماندهی و مقاوم‌سازی سیستم فرهنگ ارائه گردد.

## مقدمه

مفاهیمی چون راهبردهای فرهنگی، سیاست فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی از مفاهیم جدیدی به شمار می‌آید که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند. تحول مفهومی فرهنگ از حوزه نگرش‌ها، باورها و ارزش‌ها

به حوزه محصولات فرهنگی و تحولات شگرف در نظام‌های ارتباطی ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی، تنظیم سیاست فرهنگی و تعیین راهبردهای فرهنگی را دو چندان نموده است. گرایش‌های گوناگونی در مطالعات فرهنگی بر راهبردهای فرهنگی اثرگذار می‌باشد و راهبردها پاسخ به ضرورت‌های مطرح شده در مطالعات و تحقیقات خواهند بود.

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن، نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است (امام خمینی، ۱۳۶۸، جلد ۱۵)

### آشنایی با معنی و مفهوم فرهنگ (Culture)

مفهومی گسترده که تمامی الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شوند و در آن غنا می‌یابند و از طریق نمادها منتقل می‌شوند در بر می‌گیرد. پس فرهنگ به عنوان وجه ممیز انسان از دیگر موجودات شامل تمام دستاوردهای جامعه یا گروه نظیر زبان، هنر، صنعت، حقوق، دانش، دین، اخلاق، سنت‌ها و حتی ابزار مادی می‌شود و در دانش هر آنچه را که از طریق ارتباط متقابل آموخته می‌شود، در بر می‌گیرد. معنای آن در مورد فرد و جامعه نیز متمایز است. هنگامی که در مورد فرد به کار می‌رود، معنای فرهیخته یا پرورش یافته را می‌رساند. هنگامی که در مورد جامعه به کار می‌آید، همه آموخته‌ها و آموختنی‌ها را در بر می‌گیرد.

(ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵)

## ویژگی‌های فرهنگ

برخلاف تمدن که چند جامعه را می‌تواند در بر گیرد، فرهنگ صفت ویژه هر جامعه است:

- فرهنگ در خلال زمان انباشتگی می‌یابد پس قابل اعتلاء و تکامل است.
- فرهنگ، خاص انسان است و تمایز اصلی انسان و حیوان، فرهنگ‌سازی انسان است.
- فرهنگ نسبی است و هیچ فرهنگی را فروتر و کهنتر نمی‌توان خواند.
- فرهنگ در معنای علمی، شامل هر گروه یا جامعه می‌شود. لذا، برخلاف تمدن که متضمن شهرنشینی است هر روستا یا قبیله‌ای نیز دارای فرهنگ است.
- هر فرهنگ قابل انتقال و آموختنی است، از این رو میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و یا از جامعه‌ای به جامعه دیگر انتقال می‌یابد.
- در هر جامعه عناصر فرهنگی با یکدیگر سخت پیوسته‌اند، هر تغییر موجبات بروز امواجی را فراهم می‌سازد که دیگر ارکان فرهنگ را دگرگون می‌کند.

-

## مبانی نظری

### ۱- دیدگاه کارکردگرایی

در این جوامع نظام کلی دارای ثبات کاملی هستند و هر جزء دارای کارکرد مناسب کل نظام و سیستم می‌باشد. در این دیدگاه روابط میان اشیاء و خود اشیاء موردنظر نیست. آنچه اهمیت دارد صرفاً نتیجه است. عنصری که دارای نتیجه مثبت در کل نظام باشد مفید است و باید بماند و عنصری که نتیجه مفید برای نظام ندارد بایستی از بین برود. این دیدگاه در فرهنگ نیز به کار رفته است. اسمال می‌گوید: فرهنگ عبارت است از یک ساز و برگ فنی، اخلاقی که برای دوره‌ای خاص با بکارگرفتن آن به مقاصد خود می‌رسند و فرهنگ مشتمل بر وسایلی که انسان‌ها با آن هدفهای فردی و اجتماعی خود را پیش می‌برند. (کابرال امیلکار، ۱۳۵۹، ص ۴۱) این تعریف برای جوامع در حال ثبات کاربرد دارد و در جوامعی که این کارکردها حالت ثبات ندارند و گاه حتی عناصر فرهنگی

همچون غده‌های ویروسی و سرطانی از خارج وارد آن پیکره می‌شوند و سپس در آن پیکره فرهنگی به صورت عنصری همانند درمی‌آیند و این کارکردها لحظه‌ای متوقف نمی‌شود. لذا هر لحظه جوامع جهان سوم دچار بحران عنصر فرهنگی و حتی بحران در روابط میان عناصر فرهنگی خود می‌باشند.

## ۲- دیدگاه ساختی

این دیدگاه برخاسته از مطالعه جوامع ابتدایی بسته ای است که کلیه نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در یک حالت تعامل با یکدیگر می‌باشند ولی بعداً در جوامع سرمایه داری مدرن که دارای حالتی منظم و سیستماتیک می‌باشد دارای قدرت تحلیل و تبیین می‌شود. درباره فرهنگ نیز این دیدگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تعریف‌ها تکیه بر الگوسازی و یا سازمان فرهنگ است. (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۶)

این نظریه برخاسته از جوامع ابتدایی امروزه بشری است و در جهان پیشرفته نیز مورد قبول واقع و برای تبیین به کار رفته است و این تبیین برای جوامعی است که اعضای آن به تعامل درونی با یکدیگر می‌پردازند و یکدیگر را در عمل کامل و تکمیل می‌کنند. این مدل و تعریف قابلیت تحلیل و تبیین برای نظام های فرهنگی دستکاری شده جهان سوم که عناصر تکنولوژیکی بدون وقفه از جهان پیشرفته به سوی این جوامع سرازیر می‌باشد و عناصر و نظام فرهنگی این کشورها را دچار تغییر می‌کند را ندارد.

## ۳- دیدگاه مارکسیستی

در این دیدگاه، فرهنگ را رو بنا می‌داند که براساس اقتصاد بنا شده و روابط اقتصادی تعیین کننده نوع فرهنگ می‌باشد. پس برای برنامه‌ریزی فرهنگی بایستی رویکردی به برنامه‌ریزی اقتصادی داشت و کاری به رو بنا یعنی خود فرهنگ نداشته باشیم. (همان، ص ۱۷۶)

این دیدگاه از رنگ و بوی انسانی تهی می‌باشد و سبب می‌شود که برای فرهنگ برنامه‌ریزی مکانیکی انجام گیرد و تجسم وجودی این دیدگاه در شوروی سابق تحقق یافت و سبب شد که انحطاط فرهنگی و عدم تراکم فکری و

فرهنگی در سطح خود فرهنگ به وجود آید. لذا نمی‌توان فرهنگ را براساس اقتصاد تعریف و یا برنامه‌ریزی فرهنگی را براساس اقتصاد بنا کرد و روح اقتصاد نباید بر فرهنگ مسلط شود چرا که خود فرهنگ یک واقعیت مستقل می‌باشد.

#### ۴- دیدگاه تکامل‌گرایان

این دیدگاه از قرن نوزدهم به وجود آمد و هنوز قوت خویش را در تحلیل مسائل علوم اجتماعی داراست. این دیدگاه همه چیز را در حال حرکت و تحول می‌بیند و گاهی این تحول را در جهت کامل شدن می‌داند که این کامل شدن براساس ارزش‌ها معنا می‌شود و از اینجاست که برچسب ارزش‌گرایی به این تئوری خورده است و از تاریخ در تحلیل مسائل اجتماعی بهره برده و آن‌گاه به یک حکم کلی و قوانین اجتماعی می‌رسد. (همان، ص ۵۷) از این دیدگاه در مورد توسعه فرهنگی جهان سوم استفاده شده است. بدین معنا که براساس این دیدگاه بیان می‌شود که کشورهای جهان سوم بایستی برای رسیدن به توسعه، راه غرب که سرمایه‌داری است بپیمایند و یک سری شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را پیشنهاد می‌کنند.

#### فرهنگ عمومی

فرهنگ عمومی عبارت است از بخشی از فرهنگ که شیوه رفتارهای عمومی مردم (یا عرف جامعه) ساخته می‌شود یا تأثیر مشهود می‌پذیرد و یا به عبارتی وجوه و عناصر فرهنگی مشترک بین عامه مردم جامعه (مانند زبان، دین، عادات مرسوم و...)، فرهنگ پدیده اجتماعی است و برای توضیح پدیده اجتماعی در قدم اول باید از پدیده اجتماعی استفاده کرد و بعد به پدیده‌های دیگر مثل پدیده‌های روانی و زیستی متوسل شد. (شاخص‌های فرهنگ عمومی، ۱۳۸۶، ص ۷۶)

وقتی صحبت از مسائل فرهنگ عمومی می‌شود معنا و فرض ما این است که در بخش‌هایی از فرهنگ عمومی ما فاصله‌های غیرقابل قبولی بین واقعیت‌ها و آرمانها پدید آمده که قابل از بین بردن است. چرا فرهنگ عمومی ما

در برخی موارد، واقعیت‌هایش با آرمان‌هایش انطباق ندارد؟! مسائل و مشکلات فرهنگ عمومی را در سه مشکل اصلی می‌توان جستجو کرد:

۱- عوارض ناشی از استبداد تاریخی دیرپای ایران که باعث جایگزین‌شدن خیلی از خصلت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی در فرهنگ عمومی ما شده است. همین دوگانگی رفتاری و گفتاری که اغلب ما کم و بیش در جامعه خودمان می‌بینیم، افراد یک چیزی را می‌گویند و یک چیزی را باور دارند این از نتایج آن استبداد دیرپا است. بی‌اعتمادی عمومی که گاه در فرهنگ عمومی ما دیده می‌شود، بی‌اعتقادی مردم به همدیگر، بی‌اعتقادی مردم به دولت و رسانه‌ها ناشی از استبداد دیرپای سنتی ایران است.

۲- ریشه دیگری که برای مشکلات فرهنگ عمومی وجود دارد، عوارض ناشی از شروع تحول در تکنولوژی معیشتی غالب و تأخر فرهنگی ناشی از این تحول است. فرهنگ عمومی ما به مقدار زیادی متناسب با فرهنگ کشاورزی سنتی و ساده شکل‌بندی شده است در حالی که تکنولوژی معیشتی جامعه ما از چند سال پیش شروع به تحول کرده است و یک نوع ناهماهنگی و عدم تناسب میان این تکنولوژی معیشتی غالب و این فرهنگ وجود دارد. ( رحیمی، ۱۳۸۱، ص ۳۳ ).

مثلاً در نظام سنتی کشاورزی، وقت ارزش کمتری دارد تا نظامی که تکنولوژی جدید در آن غلبه دارد و معیشت از طریق این تکنولوژی تأمین می‌شود ما هنوز با ارزش وقت بیگانه‌ایم و از منطق کار جمعی بی‌بهره‌ایم.

۳- ویژگی سوم که جزو علل مشکلات فرهنگ عمومی ما به حساب می‌آید، عوارض ناشی از فقدان غلبه یک درک متناسب با عصر و زمان در مورد دین است، یعنی ما هنوز نتوانسته‌ایم تصویری از دین بر جامعه ارائه کنیم که مقتضیات زمان به تعبیر شهید مطهری مراعات شده باشد.

این سه مشکل ریشه‌های تاریخی هستند و از مدتها پیش با آنها مواجه بوده‌ایم. البته یک علت دیگر هم در مشکلات فرهنگ عمومی می‌توان در نظر داشت و آن واقعیت‌های ناشی از تحول و بی‌ثباتی دائم اقتصادی در جامعه ما است، بی‌ثباتی شدید اقتصادی در جامعه ما عوارضی در فرهنگ عمومی ایجاد کرده برای مثال طبق

تحقیقاتی که انجام شده است نشان داده که در دوران وجود تورم‌های مکرر، مردم شدیداً مادی می‌شوند و در انتخاب‌هایشان ارزش های مادی را در اولویت قرار می‌دهند.

## روشهای اصلاح فرهنگ عمومی

- نخستین راه حل ، تداوم و تسریع فرایند توسعه سیاسی است.

اگر ما بخواهیم از عوامل استبداد دیرپایی که در ایران حاکم بوده است در فرهنگ عمومی به تدریج دور شویم، راهی نداریم جز تسریع فرایند توسعه سیاسی یعنی فرایندی که طی آن ضمن افزایش اقتدار و کارایی دولت، مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی روز به روز در چارچوب نهادهای قانونی جامعه افزایش پیدا کند.

- اخذ تکنولوژی جدید و افزایش ظرفیت‌های اجتماعی مبتنی بر همان چیزی که اصطلاحاً به آن توسعه اقتصادی گویند، برای توسعه اقتصادی در یک جامعه باید خصیصه‌های فرهنگی تقویت شود. خصیصه‌هایی مانند تمایل به نوآوری و نوجویی، پذیرش منطق کار جمعی، ارزش قائل شدن برای زمان، اعتقاد به اینکه توزیع پاداش‌ها در جامعه باید براساس نقش‌های اکتسابی صورت گیرد نه براساس نقش‌های انتسابی.

- روشهای تبلیغاتی را باید با روشهای کارآمدتری که خصایص روانی و اجتماعی افراد را بیشتر در نظر می‌گیرد به کار گرفت تا ارزش‌ها درونی شوند.

- برای اصلاح فرهنگ عمومی باید بینش مردم و مسئولان نسبت به اصلاح فرهنگی تغییر نماید و باور نمایند که اصلاح فرهنگی و تقویت ساختارهای آن پیچیده، تدریجی و نیازمند دانش و اطلاعات فنی است.

- با مهندسی فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های لازم بستر مناسب جهت تحقق اهداف فراهم گردد، روشهای دستیابی به اهداف مشخص شود.

- تمام فعالیت‌هایی که جهت اصلاح فرهنگ عمومی انجام می‌شود باید با ارزشیابی همراه باشد.

## فرهنگ دینی

فرهنگ دینی، فرهنگ پویا بوده و ایستا نیست. اگرچه گاهی این فرهنگ ایستا به نظر می‌رسد. به این دلیل است که مطابق دستورات دین عمل نمی‌شود. اما بدون هیچ تردیدی باید گفت فرهنگ دینی به طور ذاتی پویا است وجود و سکون برخلاف باطن دین است. (کدیور، ۱۳۷۹) فرهنگ دینی در افکار عمومی جامعه رسوخ بسیاری دارد چرا که دین در جامعه به خوبی نفوذ کرده است. اما باید انحرافات و اشتباهات موجود در آن را تصحیح کرد. زیرا گاهی دیده می‌شود انحرافات بر این فرهنگ وارد شده است که سکون و جمود را موجب می‌شود. لذا در این رابطه وظیفه اصلی بر عهده مسئولان فرهنگی و دینی جامعه است تا به ارشاد جامعه بپردازند و اقشار مختلف جامعه را به علم، دین و فرهنگ ترغیب نمایند زیرا دین با آنکه در افکار عمومی وجود دارد اما بسیار سطحی شده است.

## راهکارهای ارتقای فرهنگ دینی در سطح جامعه

- ۱- شناخت انحراف‌های موجود در این فرهنگ.
  - ۲- تبیین روش‌های اصلاح آنها از طریق کتابها، رسانه‌ها.
  - ۳- در بسیاری از مصادر دینی ما (قرآن و سنت و سیره) به سیر و آسانی و اجراپذیری بخش‌های ظاهری فرهنگی توجه شده است. یعنی در بخش بیرونی فرهنگ، برنامه‌ریزان فرهنگی باید به سمت اشکال و قالب‌هایی که به آسانی در جامعه قابل پیاده‌شدن است، حرکت کنند.
- ابن عباس جمله‌ای را نقل می‌کند که پیامبر، حضرت امیر و معاذ را به یمن فرستادند و به آنها توصیه کردند که پیک و پیام دین با بشارت و شادابی و نشاط آغاز می‌شود و می‌فرمایند آسان بگیرید و سخت نگیرید.
- در برخی روایات آمده، آنجا که پیامبر میان دو امر مخیر می‌شدند آسان‌ترین راه و آن را که عموم جامعه بهتر می‌توانستند به آن سمت تمایل پیدا کنند را برمی‌گزیدند.



۲- توجه به تنوع نیازها و خواسته‌ها و به تعبیر دیگر درجات و مراتب انسان‌ها است. همه انسانها در یک سطح نیستند و تمام افراد در یک سطح از نیاز و خواسته به سر نمی‌برند و این تنوع نیازها در سنین مختلف چه در طبقات مختلف اجتماعی و در اقشار گوناگون در نظر گرفته شود. روایات و تأییدات دینی زیادی وجود دارد که پیامبران به اندازه عقل مردم با آنها سخن می‌گفتند.

۳- پرهیز از قالب‌گرایی و شکل‌گرایی. بسیاری از اوقات در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به ویژه در آنجا که به نام دین تمام می‌شود، بر اشکال و قالب‌ها بیش از روح و محتوا و آن چیزی که دین تأکید کرده است، تأکید می‌کنند.

۴- یکی از علل نابسامانی فرهنگی در جامعه ما که یک جامعه دینی است منقح نبودن بسیاری از موضوعات مطرح در مرز دین و فرهنگ از سوی دین‌شناسان است. مثل بحث موسیقی، مجسمه‌سازی، بحث هنر که در واقع مرز تلاقی دین و آن چیزی است که به عنوان فرهنگ عمومی مطرح می‌کنیم، که در اینجا باید به سمت قوانین مسلم حرکت کنیم و احتیاطاتی که احیاناً مسأله را دشوارتر می‌کند، مبنای برنامه‌ریزی فرهنگی قرار ندهیم. (راهبردها و رویکردهای ساماندهی فرهنگی، ۱۳۷۷)

## ناتوی فرهنگی

این تفکر به سال ۱۹۲۰ میلادی برمی‌گردد که فولر مورخ و تحلیل‌گر نظامی بریتانیایی طرحی ارائه می‌نماید در خصوص اضمحلال حیات معنوی و اخلاقی یک ملت و از بین بردن هوش و خرد انسانی به جای استفاده از وسایل سنتی جنگ. (سازمان بسیج فرهنگیان، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳). ناتوی فرهنگی در واقع اتحادیه کنسرسیومی نرم‌افزاری- رسانه‌ای از اعضای ناتو است و اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- به دست گرفتن سررشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- نابودی هویت ملی جوامع بشری با تخریب باورهای ملی و دینی.

- مجبور کردن ملت‌ها به پذیرش فرهنگ مبتذل : دول استعماری تا هویت جهانی را بر پایه اندیشه سکولار شکل دهند و برای مقابله با موج بیداری در جهان اسلام در پی تشکیل ناتوی فرهنگی بوده تا با استفاده از این انسجام امکانات فرهنگی، مانع بیداری ملت‌ها گردد.
- سازماندهی و حفظ انسجام تمدن غربی : آمریکا با تجمیع ظرفیت‌های فرهنگی تلاش می‌کند غرب را با خود به صورت یکپارچه متحد نگهدارد و از واگرایی اروپا، ژاپن و کشورهای طرفدار غرب در منطقه جلوگیری کند.
- جلوگیری از ایجاد تمدن اسلامی : با ایجاد چند دستگی و جنگ بین قوای اسلامی به جای ایده انگلیسی «تفرقه بیانداز و حکومت کن» ایده «تفرقه بیانداز و نابود کن» را به طور جدی دنبال می‌کنند.

-

### ابزارهای ناتوی فرهنگی

یکی از محورهای اساسی استراتژی اطلاعاتی و ارتباطی آمریکا، استفاده از تجهیزات و امکانات پیشرفته ارتباطاتی و رسانه‌ای برای نفوذ بیشتر در مناطق مختلف جهان و دسترسی به مخاطبان جهانی است و در این راستا از ابزارهایی چون ماهواره، سایت‌های اینترنتی، سی‌دی‌ها، فیلم‌ها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، بازیهای رایانه‌ای، مدل‌های پوششی، کتابها، ترویج مذاهب الحادی و فرقه‌گرایی و ... استفاده می‌نماید.

### راهکارهای مقابله با ناتوی فرهنگی

برای مقابله با ناتوی فرهنگی با توجه به این که کارکرد آن از جنس فرهنگی است باید راهکارهای متناسب با آن اتخاذ شود. ناتوی فرهنگی در مقطع کنونی متوجه جهان اسلام است. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: باندهای بین‌المللی زر و زور برای تسلط بر منافع ملت‌ها، سازمان نظامی ناتو تشکیل داده بودند. اکنون برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و تحقق بیشتر اهدافشان در پی تشکیل ناتوی فرهنگی هستند تا با استفاده

از امکانات زنجیره‌ای متنوع و بسیار گسترده رسانه‌ای، سررشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و ملت‌ها را به دست بگیرند باید هوشیارانه این مسأله را زیر نظر داشت. (همان، ص ۱۸۳)

با توجه به اهمیت مسأله باید راهکارهای مقابله با ناتوی فرهنگی نیز با محور قرار گرفتن این استراتژی طراحی و اجرا شود.

از جمله این راهکارها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- ایجاد این باور که ناتوی فرهنگی وجود دارد.
  - ۲- پرهیز از برخورد انفعالی: پیرایش چهره فرهنگی کشور از مظاهر تمدنی مبتدل غربی باید فعالانه دنبال شود. باید با گسترش تشکیلات شورای فرهنگی و راهبردی (هم‌اندیشی) مبانی نظری مقابله را ترسیم نمود و سپس با تبدیل آن سیاست‌گذاری و پروژه را به اجرا گذاشت که در مرحله اجرا هم حمایت و نظارت ضروری است.
  - ۳- نظریه پردازی در خصوص فرهنگ ایرانی و اسلامی: باید نظریه‌پردازان در این عرصه وارد شوند و محصول کار توسط کارشناسان عملیاتی شود تا موجودی ما مشخص شود.
  - مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: باید تولید نظریه و فکر تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود.
  - ۴- شناخت مبانی نظری ناتوی فرهنگی به منظور ترسیم هر چه بهتر راهکارهای مقابله: در بسیاری از موارد می‌توان از همان شیوه‌ها و ابزارها که ناتوی فرهنگی استفاده می‌کند وارد عمل شده و مقابله کرد.
  - ۵- ایجاد عزم همگانی و بسیج فرهنگی: دستگاه‌های فرهنگی کشور باید این فضا را به وجود آورند. این انسجام فرهنگی مسبوق به اراده ملت‌ها و بیداری آنهاست.
- برای تجمیع ظرفیت‌های فرهنگی، تشکیل اوپک فرهنگی ضروری است این پدیده زمینه‌های وحدت ملل اسلامی را فراهم می‌کند.

۶- توسعه همراه با توجه به موضوعات انسانی و اجتماعی و مبتنی بر آموزه‌های دینی : توسعه‌ای مطلوب است که موزون باشد توسعه ناموزون همواره مشکل‌ساز و زمینه را برای نفوذ غرب فراهم کرده است. باید الگوی ملی و دینی در توسعه ملاک عمل قرار گیرد. (همان، ص ۱۸۵-۱۸۴)

۷- مهندسی فرهنگی کشور : مهندسی فرهنگی عبارت است از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ. مهندسی فرهنگی باید با مبانی دینی، رفتار و زبان، فرهنگ کلان، خرده فرهنگ‌ها، مقتضیات داخلی و بین‌المللی مواجه گردد.

دستیابی به اهداف مهندسی فرهنگی که کاملاً براساس بینش و انسان‌شناسی اسلامی و غایت‌مندی زندگی این جهان تعریف و تبیین شده‌اند، نیازمند رصد فرهنگی و شناخت صحیح از تمامی ابعاد، ویژگی‌ها و مسائل و مشکلات فرهنگ ملی و همچنین جهت‌گیری‌های فرهنگی روز در سطحی جهان و ارزیابی تأثیر آنها بر فرهنگ ملی است. (حسن بنائیان، ۱۳۸۵، ص ۲۰). مقام معظم رهبری در این خصوص بر توجه به تمام لایه‌های فرهنگی همچون لایه‌های دینی، ملی و جهانی و تمامی سطوح فرهنگی کشور یعنی سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ارزشی و اولویت دادن لایه دینی بر دیگر لایه‌های فرهنگی کشور تأکید دارند.

۷- همانطور که استکبار جهانی به این نتیجه رسیده که ظرفیت‌های فرهنگی خود را علیه اسلام تجمیع کند، جهان اسلام هم نقطه مقابل آن با تجمیع ظرفیت‌ها و ساز و کارهای فرهنگی جهان اسلام، سطحی‌نگری‌ها را کنار گذاشته و مسلمانان کنار هم در مقابل استکبار قرار گیرند، جهان اسلام باید دامنه محیط فرهنگی را مهندسی و مدیریت کند و ضعف‌های احتمالی آن را با عناصر و مؤلفه‌های حیات‌بخش اسلام تقویت کند و از نفوذ جریانهای مخرب فرهنگی جلوگیری نماید.

۸- صبر ، مقاومت و پایداری : در تهاجم و شیخون فرهنگی چون بیشتر از عوامل داخلی استفاده ابزاری می‌شود مخفی تر و پیچیده‌تر است، بصیرت و شناخت بالایی نیاز دارد. اما در ناتوی فرهنگی چون دشمن مشخص است

و مورد هجوم افکار عمومی قرار گرفته بیشتر حالت دفاعی دارد. اما از آنجا که در ناتوی فرهنگی دشمن به نحو گسترده‌تر به میدان می‌آید، مقاومت و صبر ضروری است.

۹- پرهیز از خرافه‌گرایی، تصوف تخیلی، ساده‌اندیشی، خودکم‌بینی و خودباختگی و تقلیدگرایی: به هر حال ناتوی فرهنگی پس از ناکام شدن ناتوی نظامی وارد عمل شده است و کشورهای مختلف به ویژه جهان اسلام خواه ناخواه در معرض تهدیدات، این جنگ نامرئی ایدئولوژیک فرهنگی هستند. باید خود را شناخت و توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را باور کرد و در این راه به کار گرفت. عرصه فرهنگ را به روی هر نامحرمی باز نگذاشت. روش‌های مقابله با این پدیده را با اتحاد و همدلی بر پایه گفتمان جهانی انقلاب اسلامی استوار ساخته و به اجرا گذاشت. این میدان نیازمند جوانان و نسل سوم انقلاب است که باید از مرز انگاره سازی رسانه‌های غرب که تصویری غیرواقعی از واقعیات ارائه می‌کنند بگذرند و باید کادرسازی کرد و نیروهای متعهد و تازه نفس را هر روز در این جهان رسانه‌ای توسعه داد.

### نتیجه‌گیری

فرهنگ، نظامی است شامل باورهای بنیادین و پیش‌فرض‌های اصلی اعتقادی انسانها به نظام هستی و جایگاه انسان در آن، که از درون آن، ارزش‌ها و هنجارهای زندگی استخراج می‌گردد و این نظام رفتارهای انسانها را در برابر خالق، دیگر انسان‌ها، خود و طبیعت شکل می‌دهد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. وقتی در قالب نظام داده و ستاده، سه رکن اعتقادات، ارزش‌ها، رفتارهای انسان مطالعه می‌گردد و متوجه می‌شویم که هم از رهگذر تغییر باورها، رفتار انسانها تغییر می‌کند و هم با پذیرش رفتارهای جدید از محیط پیرامون، به تدریج و به آرامی نوع باورهای انسانها تغییر می‌یابد. لذا در این راستا تغییراتی در فرهنگ عمومی ما به وجود آمده است که این تغییرات نیازمند شناسایی و بررسی عمیق‌تر بوده است، به اعتقاد ما هیچ پدیده‌ای در جهان هستی بی‌خالق نیست و می‌دانیم که خالق و پدیدآورنده پدیده‌های اجتماعی انسان‌ها هستند.

امواج عظیم تحولات اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژیک و غیره در دنیا، هر چقدر هم که ابعاد و گستردگی خارق العاده داشته باشند باز هم یک ویژگی اصلی دارند و آن اینکه پایه گذار آنان انسانها بوده اند. در دنیای متحول امروز به سه شکل می توان به زندگی و حیات اجتماعی ادامه داد: می شود مرعوب و مفعول امواج گسترده تحولات و ابعاد عظیم آن بود، می توان بر این امواج سایه گستر و سرنوشت ساز سوار شد، و نیز می توان موج آفرید و سایه آن را از خانه و محله و جامعه خود تا اقصی نقاط این دنیای بی مرز گسترانید. با توجه به آنکه یکی از مشخصه ها و قابلیت های فرهنگ، صفت تغییر پذیری آن است اگر شرایطی که در جامعه ما حکم فرماست آن چنان به نظر نمی رسد که بتواند ما را نه مرعوب و مجبور به تسلیم و پذیرش بی چون چرای هر تحول و تغییر برآمده از شرایط جامعه خودمان یا جامعه جهانی، که فعال و سوار بر امواج تغییر است بنماید، و از آن بالاتر چنانچه آرمانها و اهداف بلندی الهام یافته از اسلام و قرآن داریم که فکر می کنیم می توانند جریان سازو موج آفرین باشند، که اصول ما در این جهت است، باید فرهنگ عمومی و ضرورت تحول و اصلاح آن را در جامعه خود دریابیم.

فرهنگ عمومی یک جامعه چون زمینی است که مقتضیات و مشتقاتش تعیین می کنند که چه دانه ای در آن فرصت رشد و شکوفایی می یابد و چه نوع تخمی عقیم و زایل خواهد شد، پس برای اینکه به خصایل نیک، ارزشهای متعالی، و گرایشات و رفتارهای سازنده و تکامل بخش فرصت شکوفایی ببخشیم، باید فرهنگ عمومی جامعه را برای پرورش آنها تزکیه و اصلاح نماییم. بدون توجه به این مهم هرگونه سرمایه گذاری دیگر و تامین منابع دیگر دخیل در امر رشد و توسعه چندان راه به جایی نخواهد برد. برای ایجاد تحولی پایدار و اصلاحی معنی دار دو چیز ضروری به نظر می رسد: اول، ادراک این واقعیت که زندگی اجتماعی ما تحت تاثیر شبکه نامرئی فرهنگ عمومی است، دوم بکارگیری قدرت و قابلیت فرهنگ برای تغییر و اصلاح آن. این که مردم یک جامعه به گونه ای اندیشه و عمل دارند که سیستم و ظایف فرهنگیشان اقتضا می کند، حرف تازه ای نیست، اما ادراک و تشریح واقعیت فوق، به تنهایی کافی نیست بلکه باید این ادراک مقدمه یک سلسله تلاشهای فکری و عملی باشد برای اینکه نحوه تاثیر عوامل فرهنگی را بر رفتار اجتماعی کشف کنیم و از همین مکانیزم در جهت رها سازی خود از بند یا زندان

فرهنگ بهره برداری نماییم. مورد دیگری که باید مورد ملاحظه قرار گیرد این است که هر گونه برنامه ریزی جهت تغییر یا اصلاح فرهنگ عمومی باید در بر گیرنده میل واراده مردمی باشد که تحت تاثیر آن فرهنگ و به تبعیت از اقتضانات آن زندگی می کنند. بنابراین غلط است که بگوییم گروهی به عنوان خبره یا نخبه یا مسئول می توانند همه پروسه شناخت و تجزیه و تحلیل فرهنگ عمومی یک جامعه وسیع را به عهده بگیرند و پس از آگاهی یافتن از نقاط ضعف و قوت، به نسخه پیچی و سپس پیاده کردن برنامه اصلاح و تغییر دخالت داشته باشند. برنامه ما برای اصلاح تا هر اندازه دقیق و همه جانبه طراحی شده باشد هرگز در جامعه قابل عمل و پیاده شدن نخواهد بود اگر احساس نیاز و طلب عمومی وجود نداشته باشد.

پس می توان گفت با شناخت هر چه بیشتر فرهنگ عمومی و فرهنگ دینی و رفع انحرافات موجود می توان بستر رهایی از استعمار را فراهم نمود. تئوری های فرهنگی غرب، نمی تواند جوابگوی کشوری مثل ما باشد که دارای فرهنگی کهن و مذهبی است. البته باید بین تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی فرق قائل شد و نباید این دو را خلط کرد. زیرا تبادل فرهنگی همیشه وجود داشته است به این ترتیب که فرهنگ ها در عین حال که اختصاصی هستند از هم تاثیر می پذیرند و این مسأله با زیر سلطه قرار دادن فرهنگی دیگر، یا از خود بیگانه شدن آن فرق دارد. کشورهای جهان سوم ناگزیر از اخذ مفاهیم علمی تمدنی، فرهنگی و تکنولوژیکی غرب می باشند ولی از طرفی خود دارای سنت ها و تمدن ها و فرهنگ های پیشین هستند.

لذا در قدم اول باید ساخت اجتماعی و فرهنگی کشور خود را شناخت و در قدم بعدی بایستی تمام جریان هایی که در غرب جریان دارد را دقیقاً مطالعه و شناسایی کنیم تا با این عمل در یک جریان باز و تعاملی هم خود را مطالعه کرده و هم به مطالعه جریان های فرهنگی حاکم بر غرب دست یافت. زیرا بدین وسیله می توانیم بستر مناسب جهت پیرایش فرهنگ جامعه از این آسیب ها را فراهم نموده و در جهت تقویت و مقاوم سازی ساختار فرهنگی جامعه برنامه ریزی نمود و با تلاش همگانی فرهنگ ملی و اسلامی خود را استحکام بخشید.

## منابع:

- امام خمینی، روح‌الہ، (۱۳۶۸)، صحیفہ نور، جلد ۵، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امیلکار، کابرال، (۱۳۵۹)، آزادی ملی و فرهنگ، ترجمہ: رھسپار، تهران: انتشارات یاشار.
- بنائیان، حسن، (۱۳۸۵)، مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعہ ایران.
- بصیرت سیاسی، (۱۳۸۶)، تهران: سازمان بسیج فرهنگیان.
- توسلی، غلام عباس، (۱۳۶۹)، نظریہ‌های جامعہ‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- رحیمی، مصطفی، (۱۳۸۱)، آزادی و فرهنگ، تهران: نشر مرکز.
- راہبردها و رویکردهای ساماندهی فرهنگی، (۱۳۷۷)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۶)، دایرہ المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- شمسنی غیاثوند، حسن، (۱۳۸۵)، مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رہبری، تهران: دبیرخانہ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شاخص‌های فرهنگ عمومی، (۱۳۸۶)، تهران: انتشارات دبیرخانہ شورای فرهنگ عمومی.
- علی محمدی، محمدحسین، (۱۳۷۳)، تحلیلی مقدماتی بر تہاجم فرهنگی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- فردرو، محسن و دیگران، (۱۳۷۸)، راہبردهای فرهنگی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کدیور، محسن، (۱۳۷۹)، نظریہ دولت در فقہ شیعہ، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، جامعہ‌شناسی، ترجمہ: منوچہر صبوری



<http://www.Iranculture.org>

<http://www.iranpress.ir>

<http://Ka110.blogfa.com>

<http://Mohandesifarhangi.org>

<http://www.namanews.com>